

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه ۱۸، یکشنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۴ - ۲۷ ذی الحجه ۱۴۳۶

مقدمه

پس از بیان استدلال‌های عقلی بر جواز تشکیل حکومت و قیام در عصر غیبت نوبت به سایر ادله می‌رسد. لیکن در حاشیه بحث عقلی و قبل از بیان دلایل دیگر، نظریه‌ای که به جریان تحجر مستند است طرح و بررسی می‌شود. چنانکه دلیل پرداختن به مسأله جواز تشکیل حکومت در عصر غیبت به عنوان اولین بحث مسائل فقه حکومتی در درس خارج نیز، طرح شبهه عدم جواز تشکیل حکومت در زمان غیبت از سوی برخی متحجران است. در هر حال گرچه این نظریه قابلیت ذکر در درس خارج را ندارد اما چون در برخی محافل درس خارج نجف بیان شده است مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

منافات جواز تشکیل حکومت در عصر غیبت با حکومت خفیه امام زمان

گذشت که لازمه‌ی عدم تشکیل حکومت در عصر غیبت تعطیلی احکام و حدود اسلامی است. لذا اقامه حکم در عصر غیبت ضرورت دارد. در نقطه مقابل، این آقایان نظر دادند که گرچه حکومت در زمان غیبت لازم است اما خود معصوم به نحو خفیه آن را اداره می‌کند. لذا تشکیل حکومت و اقامه حکم از سوی دیگران، نفی حکومت خفیه امام زمان است.

توضیح بیشتر اینکه حکومت در یک تقسیم‌بندی به علنی و رسمی و غیرعلنی و غیررسمی تقسیم می‌شود. در برخی جوامع افعال و افکار مردم جامعه بر اساس نظام فکری، فرهنگی خاصی اداره می‌شود و محکوم اندیشه و تفکر خاصی است. این در حالی است که نظام فرهنگی و فکری رسمی جامعه چیزی جز فرهنگ و تفکر رایج میان مردم

و حاکم بر آنان را تبلیغ می‌کند. یا در جوامع تحت حاکمیت استعمار و دولت‌های استکباری، نظام رسمی حاکمیت سیاسی در ظاهر نظامی است که در آن جامعه شکل گرفته و استقرار پیدا کرده است. اما در حقیقت و باطن سیاست های نظام سیاسی استعمارگر بر جامعه حکومت می‌کند. با توجه به این مطلب، حکومت امام معصوم در عصر غیبت به صورت حاکمیت نظام‌های غیررسمی است. به جوری که امام زمان به نحو خفیه جریان‌های مختلف جامعه را اداره می‌کنند. لذا اتفاق‌هایی که به طور غیر معمول و غیر رسمی در جامعه رخ می‌دهد نتیجه حکومت خفیه امام زمان است. به این ترتیب تعطیلی احکام و حدود هم رخ نمی‌دهد.

مردود بودن اصل اشکال

به نظر می‌رسد اصل این ادعا محل اشکال است. چه اگر مراد از حکومت خفیه امام زمان، نفوذ معنوی و غیبی آن حضرت باشد، ما نیز به آن معتقدیم. تا جایی که از نظر ما حفظ اساس دین و بقاء آن در دوران غیبت توسط امام صورت می‌گیرد. تمام جریان‌های جهانی و چرخش حرکت زندگی اجتماعی مردم در راستای حرکت جهانی‌سازی اسلام توسط امام زمان مدیریت می‌شود. لیکن مراد ما از حکومت در عصر غیبت، جریان مباشر اجرایی احکام و حدود الهی است تا مثلاً حد الهی بر دزدی که مرتکب سرقت شده اجرا شود. به بیان دیگر تحقق حکومت خفیه و حفظ دین که منوط به اجرای حدود و احکام است به یک مباشر اجرایی نیاز دارد و آن نظام ظاهری متعلق و وابسته به امام زمان است. چه بسا حکومت ظاهری و جریان رهبری یکی از ابزارهای حکومت خفیه و نفوذ معنوی امام زمان باشد.

در مورد اعتقاد به نفوذ معنوی و غیبی امام عصر حتی ما معتقدیم فردی که مباشرت اجرایی رهبری حکومت را بر عهده دارد تحت نفوذ آن حضرت است. امام عصر جریان رهبری را به حال خود رها نمی‌کند تا هر طور که می‌خواهد به اجرای احکام و حدود بپردازد. امام زمان در موقعیت‌های حساس در ذهن و فکر جریان رهبری جامعه تصرف و حوادث را مدیریت می‌کند. شهید مطهری نقل می‌کردند که در شبی که امام می‌خواستند از پاریس به تهران تشریف بیارند با ایشان تماس گرفتیم که نظر شورای انقلاب این است که آمدن شما به تاخیر افتد. چون تمام

فرودگاه‌ها بسته است و پدافندهای هوایی آماده شلیک اند و باکی ندارند که هواپیما را بزنند و شما را از بین ببرند. امام فرمودند من امروز صبح جمعه به امام زمان متوسل شدم و بعد تصمیم گرفتم به تهران برگردم. امام زمان به عنوان حجت بالغه الهیه و صاحب مقام ولایت مطلقه لازم نیست به صورت آشکار و حضوری مطلبی را به جریان رهبری جامعه بیان کنند. بلکه یک تصرف ولایی در ذهن و فکر او که تصمیم گیری اش را تحت الشعاع قرار دهد کافی است. در جریان حکومت نظامی ۲۱ بهمن هم که نقشه حکومت این بود به محل اقامت امام هجوم ببرند، اطرافیان امام را قتل عام کنند و ایشان را از بین ببرند نفوذ معنوی امام عصر در امام خمینی ملموس است که آقا فرمودند مردم در ساعت حکومت نظامی بیرون بیایند و توجهی نکنند.

بنابراین گرچه حفظ دین به واسطه نفوذ معنوی امام عصر است اما اجرایی شدن نفوذ معنوی و به ظهور رسیدن حکومت خفیه نیازمند مباشرت اجرایی است.

دلایل منافات جواز اقامه حکم با حکومت خفیه امام زمان

صاحبان نظریه مورد بحث استدلال‌هایی دارند که از قرار ذیل است:

استدلال به قرآن:

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۱

۱. سوره بقره آیه ۳۰

بر اساس این آیه خداوند در جریان آفرینش آدم به فرشتگان فرمود که می‌خواهد در زمین خلیفه‌ای قرار دهد. فرشتگان بر اساس ذهنیتی که نسبت به موجودات زمینی داشتند گفتند کار این موجود زمینی فساد و سفک دماء است. خداوند فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

این ذهنیت فرشتگان یا در اثر وجود موجوداتی قبل از آدم در زمین بود که در نتیجه فساد و سفک دما از بین رفتند. اکتشافات زیرزمینی و مطالعات فسیل‌شناسی هم بیان می‌کند که قبل از آدم موجوداتی در روی زمین زندگی می‌کردند. چه فسیل‌های به دست آمده مربوط به ۵۰۰ هزار سال قبل است در حالی که از زمان آدم ابوالبشر تا الان حدود ۹ هزار سال می‌گذرد. روایاتی هم این معنا را تایید می‌کند. چنانکه ابوحمزه ثمالی از امام سجاد علیه السلام نقل کرده که فرمود: خداوند محمد، علی و پاکان را از نور عظمتش خلق کرد و ایشان را پیش از موجودات شیخ‌هایی قرار داد. آیا گمان داری خدا خلقی جز شما نیافریده است؟ به خدا سوگند خداوند هزار هزار آدم و هزار هزار عالم خلق کرده است و شما در آخرین این عوالم هستید:

وَعَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ وَأَقَامَهُمْ أَشْبَاحًا قَبْلَ الْمَخْلُوقَاتِ ثُمَّ قَالَ أَ تَظُنُّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا سِوَاكُمْ بَلَى وَاللَّهِ لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ أَلْفَ أَلْفِ آدَمَ وَأَلْفَ أَلْفِ عَالَمٍ وَأَنْتَ وَاللَّهِ فِي آخِرِ تِلْكَ الْعَوَالِمِ^۱

نیز محتمل است ذهنیت فرشتگان به خاطر این بود که خداوند در هنگام اراده بر خلق آدم ساختار وجودی وی که مخلوطی از شهوات، امیال، نفسانیات و عقل و خرد است را به فرشتگان نشان داد. لذا آنان چنین برداشت کردند که موجودی چنین جز سفک دما و فساد کار دیگری نمی‌کند.

^۱. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۵

در هر حال در مقام استظهار از آیه و بر اساس قرینه مناسبت حکم و موضوع سخن خداوند در جواب فرشتگان که فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» یعنی خلیفه‌ای در زمین وجود دارد که مانع فساد و سفک دما می شود. بنابراین هر حکومتی که در زمین تشکیل می شود باید در اختیار ولی خدا و خلیفه پروردگار باشد تا از فساد و سفک دما جلوگیری کند. در زمان غیبت هم اگر حاکمیت خفیه معصوم نباشد فساد و سفک دما همه جا را فرا می گیرد. بنابراین حکومت در عصر غیبت حکومت خفیه شخص معصوم است.

پاسخ استدلال به آیه

در پاسخ این استدلال، اینکه خلیفه خدا جلوی فساد و سفک دما را می گیرد اول الکلام است. در طول تاریخ خونریزی‌ها و فسادهای متعددی در روی زمین رخ داده و امام معصوم مانع آن نشده است. دیگر اینکه بر اساس بیان نورانی پیامبر که نزد فریقین متفق است، امام زمان در حالی ظهور می کند که ظلم و جور همه جا را پر کرده است:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۱

در حالی که اگر امام جلوی فساد را بگیرد نباید زمین پر از ظلم و جور شود.

چنانچه گفته شود امام معصوم در برخی موارد که سفک دما و فساد موجب انقراض بشر می شود اقدام به جلوگیری از فساد می کند مثل جایی که با رخداد جنگ اتمی ممکن است به فاصله چند لحظه تمام بشریت از بین برود، پاسخ آن است که در چنین مواردی به حکومت خفیه نیاز نیست.

پس از این آیه لزوم حکومت خفیه امام در عصر غیبت به معنای مدیریت همه جانبه زندگی مردم استفاده نمی شود.

^۱. غیبه طوسی، ص ۴۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۴، ح ۲۶